

نگاهی به مؤلفه‌ی موسیقی در سینما

## ناپیدای تاثیرگذار



فیلم‌های جنایی - پلیسی، علمی - تخیلی و ترسناک و فیلم‌هایی با ساختارهای پیچیده می‌توانیم ببینیم. چند نمونه از موفق‌ترین فیلم‌ها از نظر به‌کارگیری درست موسیقی عبارت‌اند از: «جن‌گیر»، «گذرگاه تاریک»، «سان‌ست بلوار»، «تابودگر» و مجموعه فیلم‌های «یگانه‌ها» و ...

موسیقی با پنهان شدن در زیر پوسته‌ی اصلی فیلم یعنی تصویر به مکملی نامریی اما غیرقابل حذف، تبدیل شده و بار عمده‌ی انتقال پیام اثر را به ذهن مخاطب به شکل غیرمستقیم بر دوش می‌کشد و این غیرمستقیم بودن اثر موسیقی بر روح مخاطب امتیازی بزرگ برای یک اثر هنری محسوب می‌شود.

### سینمای موزیکال

این که دنیای موسیقی تا چه حد توانسته در سینما نفوذ کند و تا کجا پیش رود، سؤالی است که سینمای موزیکال می‌تواند پاسخگوی آن باشد. پهنه‌ی هنر موسیقی تا جایی در عالم سینما پیش می‌رود که منجر به تولد گونه‌ی سینمای موزیکال می‌شود. سنگ‌بنای ساخت فیلم‌های این گونه‌ی سینمایی حتی به لحاظ داستانی هم کاملاً وابسته به موسیقی‌شان است. سینمای موزیکال قدیمی‌ترین گونه‌ی سینمایی است، گونه‌ی

موسیقی‌های باشکوه فیلم‌ها و تأثیر عمیقشان روی تماشاگر از بین رفت. موسیقی در واقع در لایه‌های زیرین یک فیلم، فعالیتی مرموز و شگفت‌انگیز دارد به این شکل که بدون حضور فیزیکی در فیلم، نقش بسیار پررنگی در جهت‌دهی احساسی به مخاطب بازی می‌کند. موسیقی توانایی آن را دارد که به تنهایی تماشاگر را بترساند، سر شوق بیاورد، بگریاند یا حتی مضطرب کند. خیلی از سکانس‌های کاملاً معمولی در فیلم‌ها با استفاده از موسیقی حساب‌شده‌شان موفق به القای درست حس صحنه‌ها به مخاطب شده‌اند. موسیقی هم‌چنین توانایی آن را دارد که به مخاطب پیش‌فرض‌هایی درست یا گمراه‌کننده بدهد برای مثال باید به کدام شخصیت فیلم ظنن شویم، در کدام صحنه‌ها منتظر اتفاق یا حادثه باشیم و حتی برخی اتفاقات فیلم را با کمک موسیقی درک یا پیش‌بینی کنیم. با نواخته شدن موسیقی حزن‌انگیز می‌توانیم به پایان تلخ فکر کنیم و اگر موسیقی ضرب‌آهنگ تند و شتابنده داشته باشد، هنوز امید به زنده بودن قهرمان فیلم و پایان خوشحال‌کننده‌ی آن می‌رود! البته باید عادت کنیم که موسیقی فیلم می‌تواند بسیار هوشمندانه به کار رفته و به مخاطب به اصطلاح رودست بزند و به جذاب‌تر شدن اثر کمک کند چیزی که در

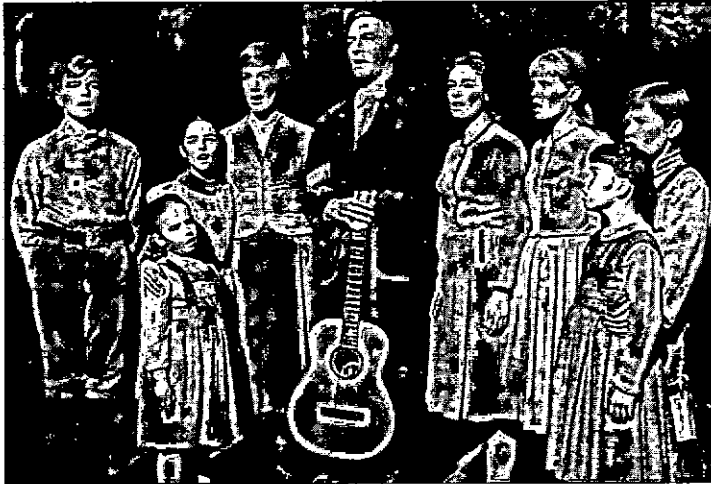
### انتاز دیمان

در روزهایی که سینما هنوز زبان باز نکرده بود، سینماگران بر خلاف حاکم بر فیلم‌هایشان آگاه بودند فیلم‌های سراسر سکوت آن‌ها توانایی کامل برای برانگیختن احساسات تماشاگران را نداشت؛ پس در اولین اقدام جو پر از سکوت فیلم را با پخش موسیقی در خلال آن شکستند و موسیقی به نوعی مکمل داستانتگویی فیلم‌های صامت و اولین موضوع شنیداری در سینما شد. موسیقی زنده‌یی که با توجه به موضوع فیلم اجرا می‌شد، تأثیر صحنه را دو چندان می‌کرد. در واقع در اواخر قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم زمانی که سینمای ناطق هنوز متولد نشده بود، موسیقی ابزار بیانی سینما بود و زمانی که نه از دیالوگ خبری بود و نه از افکت صوتی، این موسیقی بود که یک‌تنه بار شنیداری فیلم را بر دوش می‌کشید. بعد از اتمام دوره‌ی سینمای صامت، موسیقی تا حدی از جایگاه محکمی که برای خود دست و پا کرده بود تنزل کرد، چرا که حال دیگر مخاطب مشتاق شنیدن کلام آدم‌های فیلم‌هایی شده بود که تا پیش از این عادت داشت تنها به حرکات پانتومیم‌وارشان نگاه کند و مفهوم سخنانشان را از میان صفحهنوشته‌های توضیح‌دهنده که بین سکانس‌ها پخش می‌شد به شکلی خلاصه دریافت کند. حالا آثار سینمایی عضوی دیگر را در خانواده‌ی خود پذیرفته بودند به نام دیالوگ که نقش پررنگ و به‌شدت اثرگذارش هر عنصر دیگری را ضعیف جلوه می‌داد.

### توانایی و قابلیت موسیقی فیلم

تا سال‌ها چنین تصور می‌شد که زبان گفتاری سینما برای پوشاندن هر گونه خلاء کافی‌ست، اعتقادی که البته بعدها با شنیدن





در ایران گونه‌ی موزیکال هرگز مورد توجه سازندگان فیلم قرار نگرفته و به جز چند مورد فیلم موزیکال برای کودکان که در اوج سینمای کودک در ایران در دهه‌ی شصت ساخته شد و یکی - دو نمونه‌ی ناموفق در دهه‌ی اخیر، اثر قابل توجه دیگری به ذهن نمی‌رسد

اما بعد از انقلاب و با عوض شدن ساختار کلی سینما در ایران، موسیقی فیلم هم هویتی تازه یافت. تا سال‌ها آهنگسازان مشغول آزمون و خطا و کسب تجربه بودند و این‌طور به نظر می‌رسید که در آینده تعداد زیادی موسیقیدان که در زمینه‌ی سینما فعالیت خواهند کرد داشته باشیم اما حال با گذشت ۳۰ سال عرصه‌ی موسیقی فیلم را بسیار خالی و فقیر می‌بینیم و به جز تعداد انگشت‌شماری شاهد حضور جدی، مؤثر و مهم‌تر از همه موفق موسیقیدانان در حیطه‌ی سینما نیستیم تا جایی که برخی از فیلمسازان ترجیح می‌دهند از آهنگسازان خارجی برای ساخت موسیقی فیلم‌هایشان استفاده کنند. نمونه‌ی اخیرش هم مذاکرات «بهر روز افخمی» با «نیو موریکونه» برای ساخت موسیقی فیلم «فرزند صبح» است. افخمی دلیل کار خود را این‌گونه بیان می‌کند: «سال‌هاست در سینمای ایران موسیقی زیبا و تأثیرگذار تشنیدام».

واقعیت این است و باید بپذیریم که سینمای ایران در عرصه‌ی ساخت موسیقی فیلم هم مانند خیلی از رشته‌های دیگر از دنیا عقب مانده و باید بدانیم که یکی از دلایل این عدم پیشرفت خود سینماست در روزگاری که ستاره‌های سینما طلب دستمزدهای آن‌چنانی می‌کنند و دستمزدشان چندین برابر یک آهنگساز است، در سینمایی که اغلب کارگردانان آن بیش از هر چیز دیگری به ساخت و اکران اثری بی‌مایه و تنها به فروش فکر می‌کنند و بالاخره در سینمایی که هیچ یک از اعضای خانواده‌اش تمایلی به پیشرفت ندارند نباید هم از موسیقی به تنهایی انتظار پیشرفت و معجزه داشت.

نوعی فیلمی در باب مدح موسیقی اصیل ایرانی و موسیقیدانان وطنی دانست، اما فیلم از این محدوده خارج نمی‌شود و عنصر درام به نحو آشکاری بر بخش موسیقایی آن غلبه دارد.

### موسیقی فیلم در ایران

ساخت موسیقی فیلم مرحله‌ی بسیار دشوار است. دشوار از آن جهت که برای سازنده‌ی موسیقی در شرایط عادی محدودیتی وجود ندارد اما نوع گونه‌ی سینمایی اثر و قصه و دنیای حاکم در آن محدوده‌ی تنگ و مرزبندی‌شده را برای یک آهنگساز پدید می‌آورد در اختیار داستان بودن کار را برای آهنگساز سخت و حساس می‌کند این‌جاست که آهنگساز فیلم به استعدادهای قریحه و تجربه‌ی فراتر از یک موسیقیدان که در عرصه‌هایی بدون محدودیت و دنیایی رها مشغول ساختن آهنگ است، نیاز دارد در حقیقت آهنگسازی برای فیلم یک رشته‌ی کاملاً تخصصی به حساب می‌آید و آهنگساز باید اشرافی کامل بر چارچوب داستانی و آگاهی دقیق از پیام اثر و حال و هوای حاکم بر آن داشته باشد تا جایی که آهنگسازان فیلم معتقدند یک موسیقیدان که در عرصه‌ی سینما کار می‌کند، باید بیش از آن که بر دانش موسیقایی‌اش متکی باشد بر دریافت شهودی‌اش از فیلم اتکا کند.

در ایران نخستین فیلمی که موسیقی متن داشت فیلم «شیرین و فرهاد» ساخته‌ی «عبدالحسین سیتا» بود که برای ساخت موسیقی آن از آثار ویولن «مصطفی نوریانی» استفاده شده بود موسیقی فیلم در سال‌های پیش از انقلاب نیز بیش‌تر منحصر به آوازهای خوانندگان مشهور و آهنگ‌های عامه‌پسند بود

که در آمریکا و سینمای هالیوود متولد شد و به سرعت در کشورهای اروپایی گسترش یافت. سینمای موزیکال هند - که آشنای حضور همه‌ی سینمادوستان است! - نیز اساساً با آواز و موسیقی ترکیب شده و جدایی بین‌شان غیرممکن است! اما دلیل گرایش سینمای غرب به گونه‌ی موزیکال حکایتی دیگر دارد. در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم و در دوران جنگ سرد، درست زمانی که مردم با مشکلات اقتصادی و عواقب ویرانگر پس از جنگ دست به گریبان بودند، نیاز به شاد بودن و سرخوشی و امید بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شد و ناگفته پیداست در چنین شرایطی فیلم‌های موزیکال می‌توانستند کارآمدتر از هر گونه‌ی دیگر سینمایی باشند و تماشاگر خسته و سرخورده‌ی اروپایی و آمریکایی را به سمت سینماها بکشانند و برای ساعتی وی را از عالم جنگ‌زده‌ی واقعی دور و به سمت شهر رؤیایها و شادی‌ها ببرند اما سینمای موزیکال در طول تاریخ سینما تنها به شاد کردن مخاطب و خلق دنیای شاد و بی‌خیال اکتفا نکرد و در این گونه‌ی سینمایی هم آثار بسیار بالارزشی تولید شد. آثاری مانند «آوای موسیقی»، «یک آمریکایی در پاریس» و «آواز در باران» که این فیلم یکی از ده فیلم برتر تاریخ سینما به انتخاب انستیتو فیلم آمریکا است.

در ایران اما گونه‌ی موزیکال هرگز مورد توجه سازندگان فیلم قرار نگرفته و به جز چند مورد فیلم موزیکال برای کودکان که در اوج سینمای کودک در ایران در دهه‌ی شصت ساخته شد و یکی - دو نمونه‌ی ناموفق در دهه‌ی اخیر، اثر قابل توجه دیگری به ذهن نمی‌رسد البته شاید بتوان «دلشدگان» اثر مرحوم حاتمی را به